نقدی فرهنگی بر یک رفتار اجتماعی

گلزاریسم!

آفتاب یزد – یوسف خاکیان: یک ویدئوی کوتاه بود، با زمانی نزدیک به سه دقیقه، آقای مجری نشسته بود و در مقابلش چند نوجوان دختر و پسر صف کشیده و روی صندلی‌هایی نشسته بودند. عنوان ویدئو این بود: اگر گلزار نباشه ما هم نیستیم!!!

گریه هواداران رضا گلزار

به دیالوگ هایشان توجه کنید:

مجری: گلزار اگر نیاز به قلب داشته باشه کیا حاضرن قلبشونو بهش بدن؟

دست تمام نوجوانانی که در آن سالن نشسته بودند بالا رفت.

مجری: دنیای بدون محمدرضا گلزار و میخوام برام تصور کنید.

یک ملودی غمگین (گریه آور) پخش می‌شود و نوجوانانی که شاید حتی ۱۸ سالشان هم نشده باشند مقابل دوربین نشسته‌اند و هر کدام چیزی می‌گویند:

اولی: داره گریه‌ام می‌گیره.

مجری: چرا؟

همان اولی: تصورش خیلی سخته خب واقعا.

دومی: اصلا نمی‌شه تصورش کرد.

اولی: ایشون نباشن منم نیستم.

سومی بدون اینکه حرفی بزند بغضش می‌ترکد و می‌زند زیر گریه.

مجری: چی شد؟

حالا اولی و دومی هم به تبعیت از سومی به گریه می‌افتند.

مجری برای اینکه این سه نفر را که هر سه دختر هستند آرام کند، می‌گوید: بچه‌ها تصور! اصلا واقعی نیست.

هر سه با هم در حالیکه صدایی محزون دارند می‌گویند: تصورش هم سخته. سومی با همان گریه می‌گوید: ایشون نباشه منم نیستم.

سه دختر دیگر که تقریبا از سه نفر قبلی کمی بزرگترند، مقابل دوربین قرار می‌گیرند. مجری به یکی از دختران اشاره کرده و می‌گوید: «ون خانم نگفته می‌زنه زیر گریه، چی شد الان؟»

یکی دیگر از دختران می‌گوید: «طاقت فرسائه، اصلا نمی‌شه، دوام نمیاریم، نمی‌تونیم.» بعد بغضش می‌ترکد و سر به زیر افکنده با گریه می‌گوید: «اصلا نمیشه، خیلی سخته»

کات

تصویر بعدی سه پسر را نشان می‌دهد که می‌توان گفت تقریبا هفده هجده سال دارند. یکیشان می‌گوید: «ممی تونم، اصلا نمی‌تونم»

مجری به نفر دوم می‌گوید: «شما چی آقا؟ هوادار یازده ساله گلزار»

نفر دوم: «واقعیتش من اصلا بحث طرفداری و این حرفها رو ما می‌ذاریم کنار، من اصلا یه جوری وابسته به ایشون شدم، نمی‌تونم بخوام درک کنم که بخوام چنین چیزی رو به خودم بفهمونم، هر لحظه بهش فکر می‌کنم قطعا حالم بد میشه، ایشون حتی وقتی مسافرت میره ما حس می‌کنیم که تهران نیست، حالمون بده. دلمون می‌گیره، اصلا تهران برامون یه جورایی سیاهه، تا بخواد برگرده، البته به ایشون حق هم می‌دیم بره به کار و زندگیش برسه، اما ما گذشته از این مسائل دلتنگشان می‌شویم.»

نفر سوم: «من راستش نمی‌تونم تصور کنم چون تو زندگیم بی‌انگیزه می‌شم اگه اتفاق بیفته.»

کات

تصویر بعدی سه دختر را نشان می‌دهد که تقریبا همسن و سال همان سه دختر اول هستند. یکیشان می‌گوید: «اون موقع دیگه دنیایی هم برای من نیست»

کات. فیلم تمام شد. اما از جایتان تکان نخورید، با شما حرف داریم. نظرتان درباره این اظهارات چیست؟ شما به عنوان پدر و مادر، به عنوان برادر یا خواهر بزرگتر نسبت به این احساسی که این نوجوانان درباره سلبریتی محبوب خودشان دارند، چه نظری دارید؟ موافقشان هستید؟ مخالفید؟ نظری ندارید؟ می‌گویید: «بالاخره هر کسی یه چیزی دوست داره و اینا هم گلزار رو دوس دارن؟» مسلما هر کسی یک نظر و عقیده‌ای دارد اما یک چیز واضح و مبرهن است، اینکه جوان و نوجوان باید با پدر، مادر و بزرگترش خیلی رفیق باشد که بیاید حرفهایی که می‌تواند به دوست همسن و سال خودش بگوید، به آنها بگوید. این یعنی اگر هم پای چنین عشق و علاقه‌ای از سوی بسیاری از نوجوانان به آقای بازیگر وجود داشته باشد، خیلی از پدران و مادران از آن بی‌خبرند، چرا که در این روزگار وانفسا پدر و مادر از صبح تا شب دنبال یک لقمه نان می‌گردند تا شکم خانواده را سیر کنند و این یعنی دیگر چه کسی وقت رفاقت با فرزندش را پیدا می‌کند؟ خب! با این تفسیر تکلیف این نوجوان چه می‌شود؟ او که نمی‌داند این عشق و احساس گذراست و چند سال بعد او هم به جرگه کسانی مانند آقای مجری محترم می‌پیوندد که از احساس طرفداری این نوجوانان به گلزار تعجب می‌کند، او تنها زمان حال را می‌بیند و چشمان سبز رضا گلزار را و فیلم‌هایی که او در سینما و شبکه نمایش خانگی بازی می‌کند، او طرفدار یک هنرپیشه است، این موضوع فی نفسه هیچ ایرادی ندارد، بالاخره آنها طرفدار یک سلبریتی هستند و شاید هنگامی که او را در خیابان ببینند به سمتش بروند و با او عکس سلفی هم بیندازند، مانند خاطره‌ای که دواین جانسون بازیگر مشهور سینمای هالیوود تعریف می‌کرد.. او می‌گفت: یک روز در خیابان در حال رانندگی بودم که بر اثر حواس پرتی با شدت با خودروی جلویی‌ام تصادف کردم، هنگامی که از ماشین پیاده شدم انتظار هر رفتاری را داشتم و چون مقصر بودم خودم را آماده عذرخواهی کردم، اما وقتی راننده خودروی جلویی که ماشینش درب و داغان شده بود از خودرویش پیاده شد و مرا دید، فورا فهمید که من همان «راک» معروف هستم، او به جای اینکه داد و قال راه بیندازد و پلیس خبر کند آمد و مرا در آغوش گرفت و گفت: من از طرفداران تو هستم، میشه یه عکس سلفی با من بندازی؟» مرد راننده جلویی شاید بیش از چهل سال هم سن داشته، اما بالاخره او هم می‌توانسته و حق داشته طرفدار یک بازیگر باشد و این طرفداری حتی تا حدی بوده که به جای گرفتن خسارت خودرویش، راک را در آغوش گرفته و با او عکس سلفی می‌اندازد. اما همانطور که گفتیم راننده خودروی جلویی یک مرد بزرگسال بوده و این یعنی به آن درجه از تجربه و مهارت در زندگی رسیده که اقدامی را انجام دهد که عقلانی ست و نه احساسی. بالاخره در سن و سال بالای سی سال آدمی در تصمیم‌گیری هایش بیشتر عقلایی رفتار می‌کند تا احساسی. مفهوم این جمله آن است که رفتاری که آدمها در سن بالا مرتکب می‌شوند عمدتا رفتار منطقی‌تری ست، اما در ابتدای این گزارش بیان کردیم که آن گروه از افرادی که در آن ویدئوی کوتاه حضور داشتند کم سن و سال بودند، تجربه‌ای نداشتند، سرد و گرم زندگی را نچشیده بودند، به همین دلیل تا صحبت گلزار می‌شد اشکشان در می‌آمد، صحبت مرگ و نیاز به قلبش که می‌شد که دیگر هیچ. به پاسخ‌هایی که می‌دادند خوب توجه کنید. تمام جوابها کاملا احساسی بوده و منطقی در آنها وجود ندارد، هیچ ایرادی هم نمی‌توان به آنها گرفت، سن و سالشان اقتضای چنین جوابهایی را دارد. اما این پاسخ‌ها در نگاه یک آدم بزرگسال منطقی هستند؟ یعنی واقعا باید قبول کنیم که اگر خدای نکرده برای محمدرضا گلزار اتفاق بدی بیفتد اینهمه نوجوان در مقابل درب بیمارستان می‌ایستند که قلبشان را از سینه درآورند و به او بدهند؟ پاسخ این سوال را می‌خواهید؟ ما به شما می‌گوییم. بله باید قبول کنیم، چنین اتفاقی رخ خواهد داد، این نوجوانان دروغ نمی‌گویند، گریه هایشان واقعی ست، چرا؟ چون در این سن و سال قرار دارند، احساسی فکر می‌کنند، احساسی تصمیم می‌گیرند و احساسی عمل می‌کنند. پیشتر بیان کردیم که به عنوان یک پدر و مادر باید خیلی با فرزندت رفیق باشی که بیاید حرفهای دلش را به تو بزند و باز هم پیشتر بیان کردیم که میان خیلی از والدین و فرزندان چنین رفاقتی وجود ندارد و این یعنی آن بچه‌ها حرفهای دلشان را به والدینشان نمی‌گویند، آنها می‌روند حرفهایشان را به هم سن و سالهای خودشان می‌گویند، همانها که دقیقا مثل اینها فکر می‌کنند و چون اینگونه فکر می‌کنند رفتارشان را تایید می‌کنند و می‌گویند: «اتفاقا من هم طرفدار گلزارم» خب! نتیجه چه می‌شود؟ یک عالمه نوجوان در بطن و متن مردم این جامعه به زندگی ادامه می‌دهند که بدون آنکه آگاه باشند و بدون آنکه به نوع اندیشه خودشان فکر کنند، پدیده‌ای به نام «گلزاریسم» را شکل می‌دهند. خدا رحمت کند جهان پهلوان تختی را، مرد شریفی بود، ما که او را ندیدیم، اما از خصلت‌های جوانمردانه‌اش بسیار شنیده ایم. می‌گویند وقتی غلامرضا تختی از دنیا رفت یک قصاب خودش را از قلاده مغازه قصابی‌اش آویزان کرد. نکته مهمی که در این اتفاق می‌توان به آن اشاره کرد آن است که آقای قصاب هم طرفدار یک سلبریتی بود و لابد از دوران نوجوانی‌اش این عشق و علاقه در وجودش قرار داشته، اما کسی نبوده که راهنمایی‌اش کند، به همین دلیل آن نوع اندیشه در ذهنش باقی مانده و با او رشد کرده، حال رفتاری که راننده خودروی جلویی با دواین جانسون داشت را با رفتاری که آن قصاب با مرگ غلامرضا تختی داشت، مقایسه کنید، شبیه همند؟ نیستند؟ قصاوت با شما.

■ سخنی با برنامه‌سازان

دو نوع دیدگاه می‌توان درباره ویدئوی ذکر شده بیان کرد. اولی آنکه بیاییم و بگوییم این برنامه در واقع دارد پدیده «گلزاریسم» را رواج می‌دهد و به نوعی به نوجوانان می‌گوید که طرز فکرتان کاملا درست است و به همین فرمان ادامه دهید ما هم می‌آییم از شما فیلم می‌گیریم و به همه نشان می‌دهیم. دومی هم آنکه بیاییم و بگوییم این برنامه در واقع دارد به والدین، به مسئولان، به جامعه شناسان؛ به روانشناسان و به رفتارشناسان هشدار می‌دهد که نسل نوجوان که قرار است آینده سازان این مرز و بوم باشند دارند مسیر را اشتباه می‌روند، اشتباه می‌اندیشند و باید کسی باشد که به آنها راه درست اندیشیدن و درست رفتار کردن را بدهد. این نوجوانان در مواجهه با پرسش آقای مجری آنقدر احساساتی عمل می‌کنند که حتی به این موضوع نمی‌اندیشند چرا باید قلب هنرمند محبوبشان مشکل پیدا کند که نیاز به قلب دیگری داشته باشد، تا صحبت نیاز محمدرضا به قلب دیگری می‌شود پقی می‌زند زیر گریه و دست را بالا برده و می‌گوید: «اگه گلزار نباشه منم نیستم»

■ سخنی با والدین

پدر و مادر عزیز و گرامی! فرزندان شما مهمترین دارایی‌های شما هستند، یک حقیقت مهم و حیاتی و غیرقابل انکار وجود دارد، اینکه فرزند هر چقدر بزرگتر می‌شود وظیفه ما به عنوان والدین در مراقبت از او بیشتر می‌شود، از سوی دیگر فرزند هر چه بزرگتر می‌شود از والدینش فاصله گرفته و به سمت همسن و سالان خودش گرایش پیدا می‌کند، حال شما که وظیفه مراقبت از فرزندانتان در دوران نوجوانی و جوانی آنها بیشتر می‌شود باید شرایطی را فراهم آورید که آنها شما را جزو دوستان و رفقای صمیمی خودشان به حساب بیاورند، اگر این اقدام را انجام دادید می‌توانید در سر بزنگاه‌هایی مانند مواجه شدن نوجوانانتان با پدیده «گلزاریسم» به کمکشان بشتابید و مسیر درست اندیشه و رفتار را به آنها نشان دهید، اما اگر انجام ندادید باید منتظر اتفاقاتی نظیر آنچه درباره پدیده «گلزاریسم» در این گزارش بیان کردیم، باشید.

انیمیشن سازی و نداشتن اتاق فکر مناسب

پیمان مرادی که در زمینه سینمای مستقل و هنری، تهیه فیلم کوتاه و انیمیشن فعالیت دارد درباره فعالیت در عرصه بین‌المللی، گفت: سینما به عنوان صنعت تنها در هالیوود و بالیوود وجود دارد؛ در دیگر کشورها بیشتر دولت‌ها حامی سینما هستند. البته در کشورهایی مانند چین و کره آن شکلی از سینما به مفهوم صنعت در آثار تجاری شان دیده می‌شود. وی با بیان اینکه ما می‌توانیم سرمایه‌های دولت‌ها و بخش خصوصی دیگر کشورها را به کار بگیریم، گفت: برای مثال وقتی در پروژه عنوان می‌شود که این اثر محصول ۵ کشور است یعنی از سرمایه‌های آن کشورها بهره‌مند شده است. این تهیه کننده و سرمایه گذار سینما افزود: در سینمای ما هم در سال‌های اخیر به واسطه جشنواره جهانی فیلم فجر اتفاقات خوبی در این زمینه اتفاق افتاده است. سعی ما بر این است که با سرمایه شخصی که داریم با ارتباط با دیگر کشورها، بودجه و سرمایه‌های دولتی و بخش خصوصی آن ها را به کار بگیریم که همه برای گفت و گوی بین کشورها و تولید یک اثر هنری اتفاق مطلوبی است و هم از لحاظ بازدهی مالی و سوددهی شرایط خوبی رقم می‌خورد. به گزارش ایرنا، این تهیه‌کننده درباره وضعیت تولید انیمیشن در ایران نیز توضیح داد: در ایران نیروهای جوان و توانمندی داریم که حتی در خارج از کشور نیز از آن‌ها استفاده می‌شود، ما در زمینه تکنیک و نیرو حرفی برای گفتن داریم.

امیر دژاکام و تئاتری که تجربه را انتقال می دهد

امیر دژاکام کارگردان و بازیگر تئاتر گفت: اگر انسان می‌توانست دوباره متولد شود، قطعاً بهتر زندگی می‌کرد و احتمال اشتباهات در زندگی دوباره کمتر بود اما حالا که این امکان وجود ندارد باید از تجربیات دیگران استفاده کرد. این تجربه‌ها با نگاه به تاریخ، صحبت بزرگ‌ترها، رمان سپس سینما و بعد تئاتر به انسان‌ها منتقل می‌شود. رمان، سینما و تئاتر می‌توانند تجربیات دیگران را به ما منتقل کنند. در رمان انسان با کلمه و کاغذ سر و کار دارد، در سینما با وجود فاصله با تصویر اما در تئاتر انسان با انسان مواجه می‌شود و این تنها جای جهان است که انسان با انسان مواجه می‌شود و تجربه را می‌تواند کسب کند. این کارگردان در ادامه اظهاراتش تأکید کرد: حالا که استفاده از تجربیات دیگران تا این حد می‌تواند اهمیت داشته باشد ما باید به رمان، سینما و تئاتر اهمیت دهیم. این هنرها تجربیات و فهم مشترک از تجربیات می‌سازند و از آنجا که تئاتر با مواجهه انسان با انسان تجربه را منتقل می‌کند این تجربه بسیار گرانبها و ارزشمند است. دژاکام در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: مسئولان باید با ماهیت تئاتر آشنا باشند. در دنیای درام تا بدی نباشد خوبی معنا پیدا نمی‌کند. نمی‌توان انتظار داشت که در یک اثر نمایشی هیچ کاراکتر منفی وجود نداشته باشد و همه چیز مثبت و خوب باشد. به گزارش برنا، این کارگردان در پایان اظهاراتش گفت: من فکر می کنم در مورد اقتصاد تئاتر باید نگاهی کلان وجود داشته باشد. امیدوارم تفاوت نگاهی که بین دو هنر شرافتمند و بزرگ سینما وتئاتر وجود دارد در این مباحث از بین برود چرا که دور از انصاف است تفاوت‌ها در مسائلی چون بودجه تا این حد باشد.

«رخنه» در چین

فیلم کوتاه «رخنه» نوشته مسعود هاشمی‌نژاد و کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور در ادامه حضورهای بین المللی خود به عنوان یکی از فیلم های راه یافته به ششمین جشنواره فیلم فانتزی «کدو تنبل» در کشور چین به نمایش در می آید. ششمین جشنواره فیلم فانتزی «کدو تنبل» از ۲۹ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۱ مصادف با ۷ تا ۹ آبان در شهر پکن چین برگزار می شود. این جشنواره فرصتی برای خروج از زنجیره تفکر عادی است. جشنواره فیلم فانتزی «کدو تنبل» (PFFF) یک سازمان مستقل و غیرانتفاعی با بودجه طرفداران است که هدف آن ایجاد یک جامعه دوستانه و ترویج تولید ژانرهای ترسناک، فانتزی و علمی تخیلی در چین است. به گزارش مهر، داستان فیلم درباره زوج جوانی است که به خانه ای شوم نقل مکان می کنند و دچار اتفاقات عجیب و ماورائی می شوند.

«جنایت بی‌دقت» در مکزیک

فیلم سینمایی «جنایت بی‌دقت» به کارگردانی شهرام مکری در تازه‌ترین حضور بین‌المللی خود به عنوان یکی از هشت فیلم بخش مسابقه در جشنواره فیلم «گوآنا» در مکزیک به نمایش درمی‌آید. جشنواره گوآنا از سال ۱۹۹۸ شروع به فعالیت کرده است و امسال بیست و یکمین دوره خود را در مکزیک برگزار می‌کند. این فستیوال در بخش‌های سینمای بین‌الملل، سینمای مکزیک، فیلم‌های مستند و کوتاه آثار متنوعی را برای شرکت در بخش‌های رقابتی پذیرفته است. در میان هشت فیلم بخش مسابقه بین الملل در کنار «جنایت بی‌دقت» مجموعه‌ای از فیلم‌های منتخب جشنواره‌های سینمایی سال گذشته از کن و برلین تا ونیز و لوکارنو و از کشورهایی نظیر فرانسه، بلژیک، برزیل، فنلاند و ... شرکت دارند. به گزارش صبا، این جشنواره از شنبه هفته آینده شروع می‌شود.

آگهی فقدان اسناد عادی"

برگ سبز اپتیما مدل ۲۰۱۰ ش شاسی: knagh۴۱۴ba۵۴۳۱۶۹۷ ش موتور: g۶eaaa۴۶۴۳۰۷ ش پلاک: ۲۰ ایران ۶۸۷ ج ۶۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی فقدان اسناد عادی"

اسناد صلح عادی منعقده فی مابین اینجانب بیتا هروی در مقام مصالح وخانم شهین بقایی در مقام متصالح مربوط به املاک موروثی‌ام در تیرماه ۱۴۰۰ در تهران مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب کیاناز عارفی فرزند مهدی به شماره شناسنامه ۱۱۳۴۵ صادره از مشهد مقطع کارشناسی رشته حقوق قضائی صادره از واحد دانشگاهی بیرجند با شماره ۲۲۱۵۲۱ و تاریخ ۱۳۸۸/۰۸/۲۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند به نشانی بیرجند –انتهای خیابان آیت‌الله غفاری ارسال نماید.

مفقودی

سند، برگ سبز، کارت خودرو سمند ایکس ۷ مدل ۸۶ رنگ سفید شماره شاسی ۷۰۳۱۱۸۷۳ شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۶۷۲۳۳ پلاک ۵۴ – ۴۶۶ ب ۵۸ رضا حسینی فهرجی شماره ملی ۴۴۳۰۹۰۹۸۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی

برگ سبز کامیون کشنده دانگ فنگ تیپ ۲*۴ (۳۷۵) DFL۴۱۸۰-۹۹۹ مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۶۱۵ع۱۶ – ایران ۲۹ به شماره موتور ISLE۳۷۵۳۰۸۷۶۷۶۵۰۰ و شماره شاسی NADG۳DV۲۱CH۶۱۲۳۷۷ به نام فردین بهرامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

برگ سبز کامیون کشنده دانگ فنگ تیپ ۲*۴ (۳۷۵) ۹۹۹ مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۷۹۹ع۲۵ – ایران ۲۹ به شماره موتور ISLE۳۷۵۳۰۸۷۶۹۸۹۴۹ و شماره شاسی NADG۳DV۲۸CH۶۱۱۰۶۳ به نام فردین بهرامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

جدول شماره ۶۱۱۳

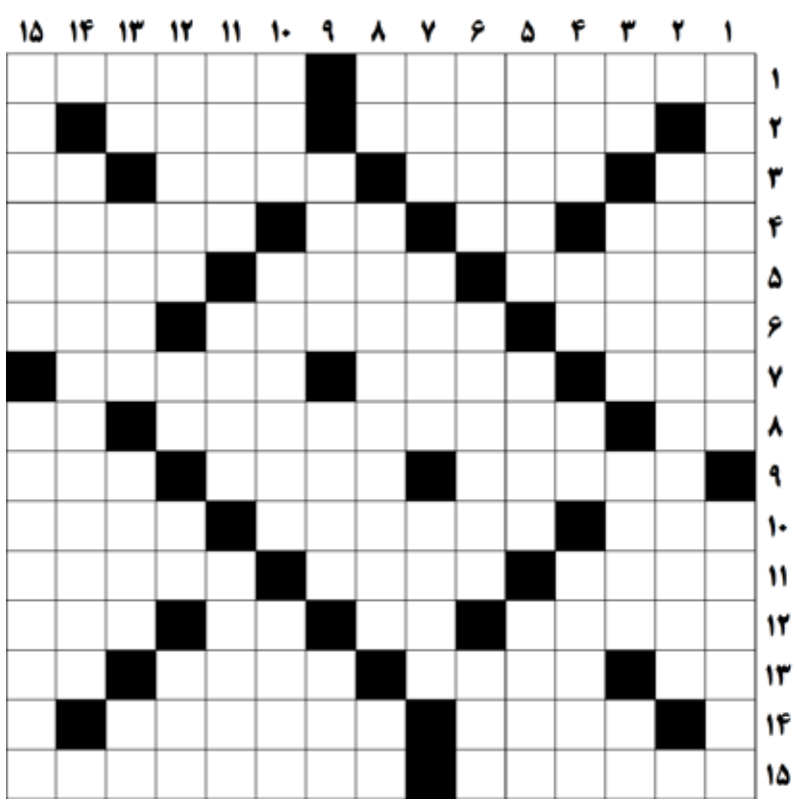

افقی

۱ – کارگاه نقاشی – جوهر مخصوص مهر ۲ – سوره قرآنی – لوح فشرده ۳ – اسب آذری – زاویه کمتر از نود درجه – از صفات باریتعالی – حرف هشتم لاتین ۴ – ایتالیای قدیم – پر حرفی – ماه کارگری – بسیار ضروری ۵ – هلالی شکل – تشنه فریب – سفتی و بی نرمشی ۶ – غیر قابل تغییر – یادتان نرود کسی در این دنیا مسئول خوب کردن حال شما نیست جز ..... – خجستگی ۷ – عضو فعال بدن – پروتئین گیاهی – پایتخت " کرواسی "۸ – پیشوند نفی – مخترع موتور دیزل – یک عامیانه ۹ – برو شور – بن چک ، سوش – نوعی پیچ و آچار ۱۰ – طایفه – سوبسید – تکرار شده ۱۱ – پایتخت روسیه – مخفف روباه – پرده سینما ۱۲ – از شهرهای چین ، شهر شیوع ویروس کرونا – تکرار آخرین حرف – شیار باریک – تکیه کلام خودخواه ۱۳ – پول ژاپن – ارتعاش – برادر شیرازی – تصدیق ژرمن ها ۱۴ – سلام ادبی – بالش بسیار کوچک خیاطان برای گذاشتن سوزن ها ۱۵ – روشندل – هافبک سابق و ملی‌پوش استقلال

عمودی

۱ – بخشیدن ، فدا کردن – سلسله بنی امیه ۲ – مخترع آمریکایی لامپ برق ۳ – مخفف هستم – از مشتقات شیر – میدان – خرس فلکی ۴ – روان – یار سوزن – برهنه – شاعر فرانسوی پارک جوان ۵ – آسمانی – گل سرخ – امپراطور دیوانه روم باستان ۶ – آسمان غرنبه – اتوماتیک – پسوند زدودن ۷ – صوت تعجب – تیم فوتبال اسپانیایی – سبز شدن ۸ – نان تو خالی – فیلمی از همایون اسعدیان – نیم صدای بره ۹ – سمت ها – لگام و افسار – نارس ۱۰ – مهره شطرنج – اسباب بازی – تهی ۱۱ – جهانگرد – کم قطر – از انواع شله ۱۲ – درجه به درجه پیش رفتن – زیبای طبیعت – به اندازه – داروی بیهوشی ۱۳ – حرف ندا – از القاب حضرت علی "ع" – گرامی تر ، بخشنده تر – چه کسی؟ ۱۴ – ورزش سرعت و هیجان ۱۵ – تغییر مسیر دادن و در راهی دیگر رفتن – ایفای نقش بازیگران سینما

پاسخ جدول شماره ۶۱۱۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	ا	ه	ز	ا	د	ه	و	گ	د	ا	■	ب	ت	ن
۲	و	ا	گ	ی	ر	■	پ	س	ت	ه	ز	م	ی	ن	ی
۳	ه	■	ل	ن	ف	■	ر	ی	ه	■	ن	ا	ت	ا	ل
۴	ر	ژ	■	ب	ا	ت	و	م	■	م	ا	ر	ک	س	■
۵	ا	ی	ل	■	ق	و	ت	■	ق	و	■	ک	ل	ا	ت
۶	ه	ل	ا	ک	■	پ	■	ق	و	ا	م	■	ف	ن	ر
۷	و	ا	ل	و	ر	■	ج	د	ا	ج	د	ا	■	ی	س
۸	خ	■	ا	ش	غ	ا	ل	■	ف	ه	ر	س	ت	■	ا
۹	ا	ب	■	ا	ب	ی	ا	ر	ی	■	س	ا	و	ی	ز
۱۰	ن	ی	س	■	ت	و	ل	ی	■	ق	■	س	ک	و	ت
۱۱	م	ا	ن	ا	■	ا	ت	■	ن	م	و	■	ل	ا	ن
۱۲	■	ب	د	ب	ی	ن	■	ش	ی	ر	ز	ن	■	ن	ه
۱۳	ب	ا	ز	ج	و	■	ت	ی	م	■	د	ی	ه	■	ا
۱۴	ا	ن	د	ی	ک	ا	ت	و	ر	■	د	ا	و	د	ی
۱۵	ب	ی	ن	■	ا	س	ت	خ	و	ا	ن	ب	ن	د	ی